

«مقاله پژوهشی»

طراحی الگوی تلفیقی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی

محمد اردشیری¹، علیرضا فقیهی^{2*}، مژگان محمدی نائینی³

1. دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

2. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

3. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

تاریخ دریافت: 1401/07/30 تاریخ پذیرش: 1401/12/03

Designing a Unified Model of Curriculum Components and Aesthetic Education in Higher Education

M. Ardashiri¹, A. Faghihi^{2*}, M. Mohammadi Naeni³

1. Ph.D., Student, Department of Educational Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

Received: 2022/10/22

Accepted: 2023/02/22

Abstract

Higher education is considered a key component in the education system and human resource development in any country. The functioning of the educational system is a tool to respond to the problems and needs of the society. Special educational needs are different in different age groups, which determines the special logic of the educational process in higher education. Since the higher education system is responsible for the important task of training specialized human resources, it is necessary to use appropriate, precise and systematic methods in the design, implementation and evaluation of its activities. This research seeks to design a unified model of curriculum components and aesthetic education in higher education. The main goal is to achieve components of aesthetics that can be used in the university curriculum along with other curriculum components from the field of humanities. For this purpose, with the qualitative and exploratory method, these components were extracted from the literature sources of curriculum studies, the opinion of experts in this field as well as the opinion of experts in the field of art and aesthetics, and after the consensus of opinion and the possibility of using them by the public universities of Khuzestan province, those components were used in the design of the model. suggestions were used and then the suggested model was designed. The findings of the research showed that art and aesthetics as a perspective and paradigm in the curriculum contains many components, inspirations and components. These components can be used in the design, development and implementation of curricula, focusing on the important components of the curriculum such as goal, content, method and evaluation.

Keywords

Curriculum Design, Higher Education, Aesthetics, Aesthetic Education, Integrated Model

چکیده

آموزش عالی مؤلفه‌ای کلیدی در نظام آموزشی و توسعه نیروی انسانی در هر کشوری محسوب می‌شود. عملکرد نظام آموزشی ابزاری برای پاسخگویی به مشکلات و نیازهای جامعه است. نیازهای آموزشی ویژه در رده‌های مختلف سنی است که منطق ویژه فرایند آموزشی در آموزش عالی را تعیین می‌کند. از آنجاکه نظام آموزش عالی وظیفه مهم تربیت نیروی انسانی متخصص را بر عهده دارد، لازم است در طراحی، اجرا و ارزشیابی فعالیت‌های آن از شیوه‌های مطلوب، دقیق و نظام‌مند استفاده شود. این پژوهش به دنبال طراحی الگوی تلفیقی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی است. هدف اصلی دستیابی به مؤلفه‌هایی از زیباشناختی است که می‌توان در کنار سایر مؤلفه‌های برنامه درسی بر خاسته از حوزه علوم انسانی در برنامه درسی دانشگاه به کار گرفت. بدین منظور با روش کیفی و اکتشافی این مؤلفه‌ها از منابع ادبیات مطالعات برنامه درسی، دیدگاه صاحب‌نظران این رشته و همچنین دیدگاه صاحب‌نظران رشته هنر و زیباشناختی استخراج گردید و پس از اجماع نظر و امکان به‌کارگیری آنها توسط دانشگاه‌های دولتی سطح استان خوزستان، آن مؤلفه‌ها در طراحی الگوی پیشنهادی به کار گرفته شد و در ادامه الگوی پیشنهادی طراحی گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که هنر و زیباشناختی به‌عنوان یک چشم انداز و پارادایم در برنامه درسی، حاوی مؤلفه‌ها، الهامات و مؤلفه‌های زیادی است. این مؤلفه‌ها می‌توانند با محوریت مؤلفه‌های مهم برنامه درسی مانند هدف، محتوا، روش و ارزشیابی در طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های درسی به کار گرفته شوند.

واژه‌های کلیدی

طراحی برنامه درسی، آموزش عالی، زیباشناختی، تربیت زیبایی شناختی، الگوی تلفیقی

مقدمه

ضروری وی باشد. به بیان دقیق‌تر، ما با تناقض در درون سیستم‌های استاندارد نظام آموزشی مواجه هستیم که به دانش یک رشته خاص توجه دارد و به پرورش محققان خلاق و نوآور در آن حوزه می‌پردازد. دانشگاه‌ها نیز به‌عنوان یک نهاد سطح برتر در حوزه تعلیم و تربیت به‌نوعی از این مسئله مستثنا نیستند. یکی از ابعاد مورد غفلت نظام‌های آموزشی، بعد عاطفی فراگیران است. علی‌رغم اینکه هم فیلسوفان تعلیم و تربیت و هم متخصصان علوم تربیتی از جمله روان‌شناسان تربیتی و رشد، اهمیت این موضوع (توجه به بعد عاطفی فراگیر) را به شیوه‌های ممکن روشن ساخته‌اند ولی باز هم در عمل و هنگام برنامه‌ریزی درسی و آموزش این بعد مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته است. بی‌شک یکی از موضوعات بحث‌انگیز و مهم در این زمینه توجه برنامه درسی به خلاقیت فردی است. خلاقیت یکی از موضوع‌های مورد علاقه و قابل ملاحظه در بحث‌های رایج نظام آموزشی است.

تربیت زیباشناختی دارای کارکردها و پیامدهای فراوانی از جمله تأثیر در رشد شناختی، بروز خلاقیت، پیشرفت تحصیلی، کسب هویت فرهنگی، تأثیر در آموزش جوانان با نیازهای ویژه، رشد هیجانی و اجتماعی، تخلیه هیجانی، تنظیم و تعدیل عواطف و احساسات (نمایی فر و همکاران، 1389)، تقویت انگیزه‌های درونی، تقویت مهارت‌های فراشناخت (موسی پور، 1392؛ ونالاین، 2012)، تعادل بخشی بین دنیای منطقی و دنیای احساس و... است. از طرفی تربیت زیباشناختی باعث کسب شایستگی در تدریس و عمل حرفه‌ای استاد (میرعارفین، 1398)، بهبود فضای اجتماعی و همکاری‌های مؤثر با دانشجویان، پیشرفت تحصیلی، تقویت تجربه تحول‌گرای زیبایی‌شناختی باعث رشد ارزش‌گذاری زیبایی‌شناسانه می‌شود. مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده درباره جایگاه تربیت زیباشناختی در نظام تعلیم و تربیت به‌ویژه دانشگاه حکایت از آن دارد که دانشجویان و استادان آگاهی کافی در مورد تربیت هنری ندارند (تحویلیان، 1395). افزون بر این، در تربیت زیباشناختی غفلت از بعد تجویزی، نیمه تجویزی و غیر تجویزی باعث کاهش کیفیت کاری استاد و در نتیجه آموزش و یادگیری است (لرکیان، 1390). همچنین علی‌رغم تأثیرگذاری آن بر رشد همه‌جانبه فراگیران هم در برنامه درسی نظام دانشگاه و هم در اجرا، جایگاه مناسبی

آموزش عالی مؤلفه‌ای کلیدی در نظام آموزشی و توسعه نیروی انسانی در هر کشوری محسوب می‌شود. عملکرد نظام آموزشی ابزاری برای پاسخگویی به مشکلات و نیازهای جامعه است. نیازهای آموزشی ویژه در رده‌های مختلف سنی است که منطق ویژه فرایند آموزشی در آموزش عالی را تعیین می‌کند. از آنجا که نظام آموزش عالی وظیفه مهم تربیت نیروی انسانی متخصص را بر عهده دارد، لازم است در طراحی، اجرا و ارزشیابی فعالیت‌های آن از شیوه‌های مطلوب، دقیق و نظام‌مند استفاده شود (همتی و همکاران، 1397). با توجه به اهمیت بسیار بالای دانشگاه در رشد و توسعه کشور، ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (پری پور، 1399). با آغاز رشد شتابان صنعتی و کسب استقلال برخی از کشورها، تقاضا برای آموزش عالی با رشد فزاینده‌ای روبه‌رو شد (باربارا، 2010). تعلیم و تربیت در اغلب کشورها به‌عنوان یک نهاد تربیتی و آموزشی که مسئولیت تعلیم علوم و تربیت شهروندی را به عهده دارد؛ بایستی به تمامی ابعاد وجودی انسان توجه کند. نگاهی به تاریخ تعلیم و تربیت کشورها نشان می‌دهد که سیستم آموزشی کشورها در بعد آموزشی و شناختی هدفمند عمل می‌کند و سایر ابعاد وجودی انسان یا به فراموشی سپرده شده یا اگر هم دیده شده خیلی چشمگیر و هدفمند نیست؛ در حالی که مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت کشف نقاط قوت درونی هر فرد، و کمک به آنها در شناسایی توانایی‌های ذهنی و عملی خود است. نظام‌های آموزشی امروزه در جهت برنامه‌هایی گام برمی‌دارند که با استعدادها، و توانایی‌ها و نقاط قوت دانشجویان از حیث به‌کارگیری نظام‌های متفاوت معناسازی سازگاری داشته باشند (مهرمحمدی، 1388: 25).

تعلیم و تربیت عمومی ما اغلب استادان و دانشجویان را آموزش می‌دهند تا بخوانند، بنویسند، به‌طور تحلیلی تفکر کنند، شمارش بکنند، و به شیوه‌های متفاوتی به توانایی‌های خود دست یابند. اما چیزی که کمتر به آن توجه می‌کنیم، استعداد، خلاقیت، عواطف و احساسات است. اگر بخواهیم به‌طور جامع، فراگیری را تربیت کنیم، بایستی تمام توانایی بالقوه وی را به نفع خود و پیشرفت جامعه پرورش دهیم. اما مانع اصلی انجام این کار، نداشتن سیستم تعلیم و تربیتی است که متمرکز روی ارتقاء تمام مهارت‌های بالقوه بسیار

و خبرگی است. رهبری آموزشی می‌تواند به فرایندهای زیباشناختی شبیه گردد. آیزنر (2002) بیان می‌دارد: «استادان شبیه هنرمندان بایستی در کارشان با زمینه‌ها، اهداف، ساختار، محدودیت‌ها و ارزش‌ها مواجه شوند». زمینه شامل دو بخش درونی و بیرونی است که بخش درونی به استعدادها و ویژگی‌های شخصیتی مربوط می‌شود و بخش بیرونی بر واقعیت‌های اجتماعی متمرکز است. ساختار به عناصر تشکیل‌دهنده یک واحد کل که ریشه در زمینه‌های بیرونی و درونی دارند اشاره دارد. به عبارت دیگر چگونه عناصر زمینه‌های درونی و بیرونی در کنار هم قرار می‌گیرد تا یک کلی (خواه محصول هنری خواه یک تجربه زیباشناختی) تولید شود. محدودیت‌ها چیزهایی هستند که موجب بازداری تلاش و کوشش می‌شوند. این محدودیت‌ها متعدّدند. برخی ناشی از رسانه مورد استفاده و برخی دیگر ناشی از عوامل فرهنگی غالب هستند. درنهایت ملاحظات ارزشی در زمینه‌ها، اهداف و سازمان‌دهی موضوع و تکمیل کار و پروژه نقش دارند». به نظر گوتشالک به نقل از آیزنر (2002) استادان و هنرمندان، هر دو با این متغیرها سروکار دارند تا بتوانند با خلاقیت خود یک محصول هنری یا یک الگوی تدریس به وجود آورند.

والانس (1388) به اصول کلی درباره درک و فهم برنامه درسی به‌عنوان یک محصول هنری به شرح زیر اشاره می‌کند:

هر دو محصول ساخت انسان و مصنوع‌اند.

هر دو وسیله‌ای برای برقراری ارتباط بین سازندگان و یک مخاطب است.

هر دو درصد بازآفرینی دانش سازندگان در یک قالب قابل‌فهم برای مخاطب هستند.

هر دو محصول یک فرایند حل مسئله هستند.

هر دو در سایه قرار گرفتن در نزد مخاطب معنا پیدا می‌کنند.

هر دو برای تجارب مخاطب حدومرز یا چهارچوب تعریف می‌کنند.

هر دو وقتی توجه مخاطب را جلب می‌کنند، می‌توانند واکنش‌های شدیدی را برانگیزانند.

هر دو می‌توانند در چهارچوب یک سنت از نظر تاریخ و تغییر سبک قرار گیرند.

هر دو به استقبال نقد و ارزیابی می‌روند.

ندارد. پژوهش‌های زیادی لزوم اصلاح برنامه درسی و گنجاندن تربیت زیباشناختی را در کنار رویکرد شناختی ضروری می‌دانند تا نقاط ضعف موجود در زمینه‌های مختلف مانند مدیریت و راهبری، تحقیق و توسعه (رضایی، 1388) برطرف گردد.

از پژوهش‌های خارجی مطرح‌شده، یافته‌های تحقیقات ونالاین (2012) نشان می‌دهد که ارتباط هنر با تعلیم و تربیت از دیدگاه اجتماعی، فرهنگی، شناختی و پیشرفت تحصیلی قابل توجیه است. همچنین هنر کاربرد گسترده‌ای در دانشگاه می‌تواند داشته باشد. حتی یافته‌های فردت (1993) نیز به این موضوع اشاره داشته و ضرورت پرداختن جوانان به زیباشناختی را مطرح کرده است. این یافته‌ها زمینه اولیه برای پژوهش حاضر محسوب می‌شود که اگر هنر در کل جریان تعلیم و تربیت می‌تواند کارساز باشد چگونه می‌توان به آن جامه عمل پوشانید. از این رو در تحقیق فعلی سعی شده است به این موضوع پرداخته شود. بقیه پژوهش‌های خارجی نیز بر نقش هنر در پیشرفت تحصیلی سایر دروس پرداخته‌اند که این نیز بیانگر ضرورت بسط و گسترش جاری ساختن هنر و زیباشناختی در کل فرایند تعلیم و تربیت است. به نظر می‌آید برای رسیدن به اهداف موردنظر در دانشگاه می‌بایست مفاهیمی چون نگرش زیباشناختی، زیست زیبایی شناسانه (زیست هنری)، سواد زیباشناختی و شایستگی زیباشناختی وارد ادبیات برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، مدیران، استادان و دانشجویان در تمامی رشته‌ها و عرصه‌های دانشگاه قرار گیرد.

مبانی نظری

برنامه درسی مبتنی بر هنر و زیبایی‌شناسی

در این نوع ارتباط، هنر و زیباشناختی به‌عنوان یک دیدگاه، هویت و مبنا برای برنامه درسی به شمار می‌رود که می‌توان از عالم هنر و زیباشناختی آموزه‌هایی را استنتاج و در جریان برنامه‌ریزی درسی و تولید برنامه درسی از آنها بهره جست چنانچه اسمیت (2004) بیان می‌کند: «نظریه‌پردازان برنامه درسی جنبه‌های متنوع تحصیل آموزشگاهی - تدریس، یادگیری، ارزشیابی، مدیریت و جو دانشگاه - را از چشم‌انداز زیبایی‌شناختی بررسی می‌کنند». در جای دیگری می‌گوید تدریس شبیه هنری از قبیل بازیگری و مجری‌گری، یادگیری شبیه تجربه زیباشناختی و ارزشیابی مثل نقد هنری

حال این هشت صلاحیت را با هشت ویژگی تفکر سطح بالا که رسنیک (به نقل از فقیهی، 1378) آنها را به شرح زیر بیان کرده است، مقایسه می‌کنیم.

تفکر سطح بالا الگوریتمی و از پیش تعیین شده نیست. تفکر سطح بالا پیچیده است کل مسیر حرکت از هر نقطه دلخواه قابل فهم و روشن نیست.

تفکر سطح بالا راه حل‌های چندگانه‌ای ارائه می‌کند که هر کدام در مقایسه با یک راه حل واحد، دارای معایبی هستند. تفکر سطح بالا معمولاً ملاک‌های متعددی را در بر می‌گیرد که گاه با یکدیگر در تضاد هستند.

تفکر سطح بالا اغلب با عدم قطعیت همراه است و همه جوانب کار مورد نظر شناخته شده نیست.

تفکر سطح بالا با فرایند خودگردانی فکری همراه است و اگر شخص دیگری مراحل کار را قدم به قدم بازخوانی و کنترل کند تفکر سطح بالا در فرد مشخص و آشکار نمی‌شود.

تفکر سطح بالا دربردارنده مفاهیمی مداخله‌گر و ظاهراً نامرتب است به گونه‌ای که بی‌نظمی آشکاری در ساختار دیده می‌شود.

تفکر سطح بالا مستلزم صرف انرژی ذهنی است و در تفسیرها و داوری‌ها نیز فعالیت ذهنی وسیعی دیده می‌شود.

وقتی 8 ویژگی تفکر سطح بالا را با 8 صلاحیتی که هنرها توان پرورش آن را دارند، مقایسه می‌کنیم بین آنها می‌توان نوعی تناظر پیدا کرد. برای مثال هنرها نشان می‌دهند که مسائل می‌توانند راه‌حل‌های مختلفی داشته باشند و فرد می‌تواند به راه‌حل‌های متعددی بیندیشد و آنها را کشف کند که همین امر نیازمند تفکر است و رسنیک خلق راه‌حل‌های متعدد را نتیجه تفکر سطح بالا می‌داند به عبارت دیگر هنرها می‌توانند زمینه تفکر سطح بالا را فراهم سازند.

دلیل دیگر بر امکان برقراری تناظر بین ویژگی‌های تفکر سطح بالا و صلاحیت‌هایی که معلول هنرهاست و موضوع غیرخطی بودن و نبود قواعد از پیش تعیین شده در هر دوی آنها است. آیزنر بیان می‌کند که هنرها توانایی تصمیم‌گیری، در غیاب قواعد از پیش تعیین شده را پرورش می‌دهند و رسنیک نیز تفکر سطح بالا را غیر الگوریتمی خوانده و از همراه بودن تفکر سطح بالا با عدم قطعیت، شناخته نشدن همه جوانب تفکر سطح بالا سخن می‌گوید.

آرو اسمیت (1971) در رابطه با شباهت محصول‌های هنری با برنامه درسی می‌گوید: «در حوزه هنر فیلم تنها یک رسانه نیست بلکه نوعی برنامه درسی است از آنجا که فیلم جزئی از فرهنگ عمومی است، می‌تواند در برنامه‌های تربیت عمومی به کار گرفته شود».

آیزنر یکی از صاحب‌نظران معروف برنامه‌ریزی درسی است که در زمینه اهمیت آموزش هنر و همچنین آموزه‌های عالم هنر برای تعلیم و تربیت سخن گفته است. وی بیان می‌کند که هنرها هشت صلاحیت کلیدی را می‌توانند به افراد آموزش دهند که عبارتند از:

1. درک روابط: هنرها به دانشجویان کمک می‌کند تا بفهمند که هیچ چیزی به تنهایی وجود ندارد؛ یعنی دانشجویان در هنگام فعالیت در درون یک اثر هنری درمی‌یابند که چگونه قسمت‌های مختلف یک اثر بر همدیگر تأثیر دارند.

2. توجه به ظرافت‌ها: هنرها یاد می‌دهند که تفاوت‌های کوچک می‌توانند تأثیرهای وسیع و گسترده‌ای داشته باشند؛ مثلاً در صحبت کردن یا نوشتن توجه به جزئیات و ظرایف مستلزم کاربرد زبان به گونه‌ای است که در آن استعاره، اشارات، کنایات و سایر شکل‌های پیچیده تفکر به کار گرفته شود.

3. هنرها باعث آگاهی از این امر می‌شوند که مسائل می‌تواند راه‌حل‌های مختلفی داشته باشد.

4. کار و فعالیت در زمینه هنرها توانایی تغییر دادن هدفها را در طی فرایند فراهم می‌سازند و وسایل هم قادر به تعدیل اهداف هستند.

5. هنرها توانایی تصمیم‌گیری در غیاب قواعد از قبل تعیین شده مثلاً قضاوت درباره اینکه چه کاری در چه زمانی به‌طور تمام و کمال انجام شده است را پرورش می‌دهد.

6. در هنرها تخیل یک منبع محتوا است.

7. هنرها توانایی دانشجو برای انجام کار و عمل در محدوده یک رسانه را پرورش می‌دهد از آنجا که هر رسانه‌ای دارای محدودیت‌های خاص خودش است فعالیت در محدوده یک رسانه سبب می‌شود فرد ضمن رویارویی با محدودیت‌ها راه‌هایی را ابداع نماید.

8. هنرها زمینه استفاده از یک چارچوب زیباشناسانه و نگاه به جهان هستی را پرورش می‌دهد.

8. پایبندی به این اصل که یادگیری‌های بعدی از طریق اتصال به آنچه جوانان می‌توانند تصور کنند نه ضرورتاً آنچه می‌دانند شروع شود.

9. اهتمام به ارزشیابی کیفی به جای ارزشیابی کمی

10. توأم ساختن شناخت با احساس و احساس با

شناخت در فرایند تدریس

11. توجه به مقوله زیبایی‌شناختی و دل‌نشینی در ارائه

دروس متفاوت از طریق اهمیت به قالب بیان مقصود و اموری مانند شکل و شمایل کتاب درسی، آرایش کلاس و... همان‌طور که گذشت در خصوص ارتباط بین برنامه درسی والانس بر شباهت‌های این دو اشاره نموده و به مجموعه اصولی جهت درک و فهم برنامه درسی به‌عنوان یک محصول هنری پرداخته است. آیزنر به توانایی‌هایی که هنرها قادر به پرورش آنها در مخاطبان خویش هستند، اشاره داشته و همچنین هشت درسی را که تعلیم و تربیت می‌تواند از عالم هنر فراگیرد، مطرح کرده است. مهرمحمدی نیز به آموزه‌هایی که عالم هنر برای بهبود کیفیت آموزش و فرایند یاددهی یادگیری به دنبال دارد پرداخته است و سخنان هر سه صاحب‌نظر و سایر افراد حاکی از کاربردها و آموزه‌های هنر برای برنامه درسی است. این سخنان، هنر و زیباشناختی را به‌عنوان یکی از مبانی برنامه درسی مطرح می‌سازد و با این نگاه می‌توان مؤلفه‌هایی برای برنامه درسی ارائه کرد و از برنامه درسی مبتنی بر هنر و زیبایی‌شناختی سخن گفت.

روش‌شناسی

در این پژوهش، به دلیل اتخاذ رویکرد چندجانبه نسبت به تلفیق مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی، پیروی از پارادایم آمیخته اکتشافی اختیار شد تا پس از شناسایی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی با کمک روش کیفی، نیازمند به‌کارگیری روش‌های کمی باشیم تا تأیید الگو بررسی شود. در پژوهش حاضر ابتدا ابعاد و مؤلفه‌های تربیت زیباشناختی در آموزش عالی از ادبیات پژوهش‌ها و مصاحبه با صاحب‌نظران و خبرگان حوزه زیبایی‌شناختی و برنامه درسی استخراج می‌شود و سپس الگوی مفهومی مناسب تلفیق برنامه درسی و مؤلفه‌های زیباشناختی در آموزش عالی از نظر صاحب‌نظران ترسیم می‌گردد.

به عبارت دیگر فرایندهای فعالیت‌های هنری و تفکر سطح بالا هر دو کاملاً خطی نیستند و نمی‌توان با الگوی از پیش تعیین‌شده، اجرای یکسان آنها را از افراد مختلف انتظار داشت. براین اساس این نوع تناظر می‌تواند بیانگر قابلیت فعالیت‌های هنری در پرورش تفکر سطح بالا باشد.

آیزنر (2002) می‌گوید تعلیم و تربیت از هنر می‌تواند

هشت درس زیر را فرا بگیرد:

1. برای یک مسئله بیش از یک راه‌حل وجود دارد.

2. قالب و محتوا از هم جدا نیستند به عبارت دیگر روش و محتوا از هم جدا نبوده و در شکل‌گیری یکدیگر تأثیر دارند.

3. اهمیت دادن به تخیل

4. توجه به ارتباطات بین عناصر و اجزا یک کل

5. توجه به انگیزه درونی و کسب رضایت درونی

6. سواد (خواندن و نوشتن) و کمیت تنها ابزار بهبود و بازسازی درک و فهم آدمی نیستند (توجه به سایر سوادها و رسانه‌ها و کیفیت)

7. اهمیت انعطاف‌پذیری اهداف

8. اهمیت مدت زمان لذت یک تجربه (تجربه

زیباشناختی)

مهرمحمدی (1390) برای بهبود کیفیت آموزش و فرایند یاددهی یادگیری یازده راهبرد زیر را با الهام از عالم هنر برمی‌شمارد:

1. دعوت استاد به در پیش گرفتن مشی و منش استاد فکور و جرأت ورزی نسبت به تعدیل رویه‌های توصیه‌شده و تجربه‌شده و یا حتی عدول از آنها

2. پیش‌بینی فرصت‌های یادگیری (و ارزشیابی) از نوع پروژه‌ای یا دارای ساختار باز

3. تدارک تجربه شکست برای دانشجویان جهت فراهم کردن زمینه رویارویی دانشجویان با مسائل واقعی زندگی

4. دادن آزادی عمل به دانشجویان در انتخاب قالب بازنمایی آنچه می‌دانند

5. ایجاد انعطاف در برنامه درسی و گنجاندن بخش غیر تجویزی

6. وارد ساختن شگفت‌زدگی به جریان تعلیم و تربیت و

خروج یکنواختی کسل‌کننده از محیط دانشگاه

7. توجه به تأنی و تأمل در تربیت

یافته‌های پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش با 10 نفر از خبرگان مصاحبه نیمه ساختاریافته تا رسیدن به اشباع نظری انجام گرفت. پس از هر مصاحبه، فرایند پیاده‌سازی انجام و به‌صورت نوشتاری برای تحلیل داده‌ها آماده می‌شد. به‌تدریج نکات کلیدی و مقوله‌های اساسی بعد از مفهوم‌سازی هر مصاحبه، استخراج گردید. بدین شکل که در تعیین ابعاد و مؤلفه‌های تربیت زیباشناختی در آموزش عالی مبتنی بر هرکدام از عناصر برنامه درسی به تفکیک، مفاهیم و مقوله‌هایی که در جدول‌های زیر نشان داده شده است، استخراج گردید.

مفاهیم اصلی از بین 250 مفهوم استخراج و بر اساس اصل تکرار، تأکید و میزان اهمیت (درک محقق و مبانی نظری) انتخاب شدند. به این معنی که برخی از مفاهیم توسط چندین مصاحبه‌شونده مورد توجه و تکرار قرار گرفته بود یا فرد خاصی روی مفهومی تأکید داشت یا با توجه به اهمیت آن بر مبنای ادبیات پژوهش و نظر تشخیصی پژوهشگر، برای قرار گرفتن در مدل نهایی انتخاب شد؛ بنابراین مفاهیمی که از این ملاک‌ها برخوردار نبودند، از مدل نهایی حذف شدند. برخی از مفاهیم در سطح بالاتری

از آنجا که نتایج تحقیق را می‌توان در تصمیم‌گیری‌های آتی در رابطه با برنامه درسی آموزش عالی استفاده کرد، نوع پژوهش کاربردی است ولی روش انجام تحقیق پیمایشی است. بنابراین پژوهش حاضر از یک روش کیفی مبتنی بر تحلیل استفاده می‌کند تا از مضامین شناخت به دست آورد و سپس نظر خبرگان برای تأیید اهمیت عوامل مشخص شود. با شناسایی این مضامین، حال می‌توان بر اساس یک رویکرد کمی، نسبت به استخراج مهم‌ترین روابط فی‌مابین متغیرهای مؤثر بر ارتباط بین متغیرهای شناسایی‌شده و ارائه الگویی بر مبنای تلفیق برنامه درسی و تربیت زیبایی‌شناختی اقدام کرد.

با توجه به اینکه در بخش کیفی این پژوهش از روش زمینه‌ای استفاده شده است، داده‌ها پس از جمع‌آوری و پیاده‌سازی، طی سه مرحله کدگذاری (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) تجزیه و تحلیل می‌شوند. به‌منظور افزایش دقت و صحت تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها از دو ناظر بیرونی که بر پژوهش کیفی اشراف داشتند، استفاده شد. فرایند کدگذاری داده‌ها بخشی با استفاده از نرم‌افزار و بخشی دیگر به‌صورت دستی توسط پژوهشگر انجام گرفت.

جدول 1. مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده بر مبنای مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی مبتنی بر برنامه درسی بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران و خبرگان برای عنصر هدف

مفاهیم	مقوله‌ها	مضامین
رعایت تناسب و انسجام بین اهداف برنامه درسی	انسجام در اهداف	
اتصال اهداف به زیبایی‌های خلقت	زیبایی‌های خلقت	
اهداف متعادل باشند	تعادل	وحدت و
تعیین اهداف مبتنی بر تفاوت‌های فردی	تفاوت‌های فردی	انسجام
لحاظ کردن نتایج بیانگر و اهداف حل مسئله در کنار اهداف رفتاری	نتایج رفتاری حل مسائل	
اهداف باز، کلی و انعطاف‌پذیر باشند	انعطاف‌پذیری	
پرورش و هدایت میل زیباجویی و زیباگرایی دانشجویان	زیباجویی و زیباگرایی	
پرورش خلاقیت و تفکر واگرا	خلاقیت	تخیل
پرورش قوه شهود	شهود	
پرورش قوه خیال	خیال	
جذابیت هدف‌ها از طریق ملموس‌سازی و محسوس‌سازی	ملموس‌سازی اهداف	احساس
تناسب اهداف با رشد زیباشناختی (حسی تصویری تخیلی)	حواس	
پرورش تفکر انتقادی	تفکر انتقادی	خودآگاهی
توجه به وجه انسانی هنر یعنی نقش هنر در شکوفایی آدمی و پیشرفت ارتباطات انسانی و اجتماعی	شکوفایی در ارتباطات اجتماعی، انسانی و عاطفی	کیفی
توسعه عاطفه، نگرش و اخلاق دانشجویان نسبت به محیط‌زیست و مسائل جامعه بشری	انسانیت و عاطفی	
افزایش توان و قدرت بیانی افراد	قدرت بیان	ابراز

جدول 2. مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده بر مبنای مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی مبتنی بر برنامه درسی بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران و خبرگان برای

عنصر محتوا

مفاهیم	مقوله‌ها	مضمون‌ها
	ملموس‌سازی محتوا با نشانه گرفتن قوه خیال	به‌کارگرفتن قوه تخیل در
	توجه به تخیل و تصور از طریق روش سازمان‌دهی از انتزاعی به عینی و از کل به جز در موارد قابل اعمال	تخیل
	تبیین وجه هنر با رویکرد سازمان‌دهی چندرشته‌ای در همه دروس	محتوا
	استفاده از رویکرد سازمان‌دهی چندرشته‌ای جهت معرفی زیبایی‌ها در همه دروس	رویکرد چند رشته‌ای
	تعادل محتوا از منظر توجه به حیطه‌های مختلف یادگیری	توجه به حیطه‌های مختلف یادگیری
	استفاده از ابزارهای چندرسانه‌ای چند فرهنگی در یادگیری	چند رسانه‌ای بودن آموزش
	پیش‌بینی فرصت تجارب دست‌اول برای دانشجویان	تجارب دسته اول
	توجه و تأکید بر میراث فرهنگی	تأکید بر میراث فرهنگی
	توجه به خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های محلی	تولید اثر هنری
	همراهی فرم و محتوا در تولید اثر هنری	ویژگی‌های جنسیتی
	توجه به ویژگی‌های جنسیتی دانشجویان	مسائل روزمره
	توجه به مسائل روزمره زندگی	استفاده از کارشناس هنر (کارشناس هنر) در تیم برنامه‌ریزی درسی
	استفاده از هنرشناس (کارشناس هنر) در تیم برنامه‌ریزی درسی	توجه به تفاوت‌های فردی
	اهمیت دادن به اختیار و آزادی دانشجویان جهت رعایت تفاوت‌های فردی	فردی
	تأکید بر آموزش مشارکتی	یادگیری مشارکتی
	استفاده از قابلیت‌های همه رشته‌های هنری برای غنی‌سازی محتوا	غنی‌سازی محتوا از خودآگاهی
	پیش‌بینی صفحات سفید در کتاب‌ها جهت ارائه تصویر، طرح و غیره از سوی دانشجویان	طریق رشته‌های هنری
	حمایت محتوا از دستیابی به تفکر واگرا و خلاقیت	تقویت تفکر واگرا و خلاقیت در دانشجویان
	حمایت محتوا از توسعه نگرش و اخلاق زیست‌محیطی و اجتماعی	توسعه نگرش محیطی و بین‌المللی
	حمایت محتوا از توسعه دید جهانی و مسائل بین‌المللی	بین‌المللی
	حمایت محتوا از پرورش قدرت بیانی و تعاملی دانشجویان	پرورش قدرت بیان
	تحریک و به‌کارگیری ترکیبی از حواس پنج‌گانه از سوی محتوا	تقویت حواس
		احساس

اسلامی با زیبایی‌شناسی ظاهری استاد در قالب مفهوم زیبایی‌شناختی کالبدی مطرح شدند. پس از انجام تغییرات (حذف و ادغام) از میان 250 مفهوم به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، 64 مفهوم نهایی و 52 مقوله و 5 مضمون برای الگوی تلفیقی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی استخراج و انتخاب شد.

از انتزاع قرار دارند یا اینکه دارای محتوای نزدیک به هم هستند. بنابراین برای خلاصه‌سازی، این مفاهیم در یکدیگر ادغام شدند. برای مثال مفهوم علم زیبایی‌شناختی در سطح بالاتری از انتزاع، نسبت به مفاهیم انواع زیبایی، توانایی شناخت عناصر و کیفیت زیبایی و شیوه دیگری از شناخت جهان قرار دارد؛ از این رو از ادغام این مفاهیم مفهوم سواد زیبایی‌شناختی حاصل شد. با استفاده از نمادهای ایرانی

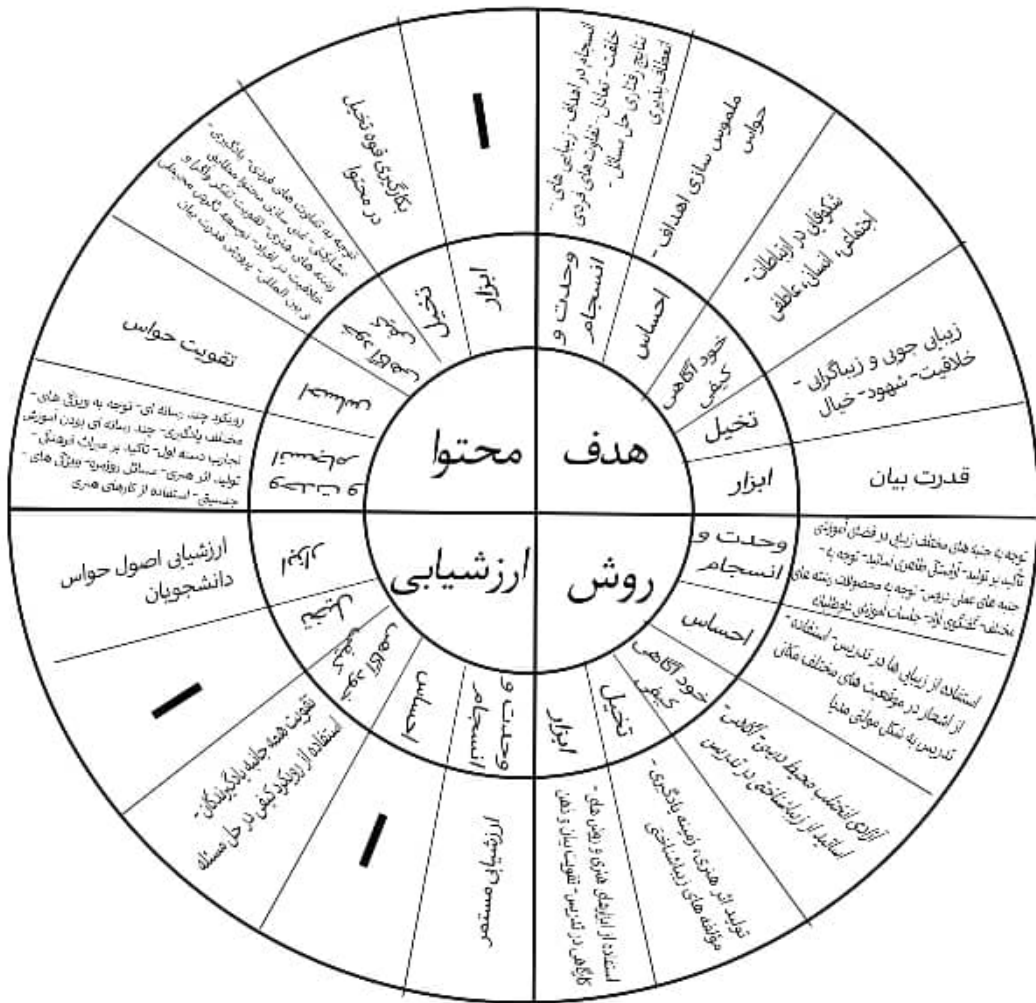
از این مفاهیم و مقوله‌ها بخش قابل‌توجهی همسو با ادبیات پژوهش است و بخشی هم به ادبیات پژوهش افزوده شد. این مفاهیم در قالب 4 عنصر برنامه درسی جای گرفتند. عنصر هدف 15 مقوله، عنصر محتوا 17 مقوله، عنصر روش 16 مقوله و عنصر ارزشیابی 4 مقوله استخراج شده است.

جدول 3. مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده بر مبنای مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی مبتنی بر برنامه درسی بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران و خبرگان برای عنصر روش

مضمون‌ها	مقوله‌ها	مفاهیم
	استفاده از زیبایی‌ها در تدریس	استفاده از قالب‌های دیداری برای محسوس‌سازی تدریس
	استفاده از اشعار مختلف در موقعیت‌های خاص مکانی	استفاده از زیبایی‌های پدیدار شونده در موقعیت تدریس
احساس	تدریس به شکل مولتی‌مدیا	استفاده از اشعار مختلف مربوطه و زیباخواندن آن در حین تدریس
	توجه به جنبه‌های مختلف زیبایی در فضای آموزشی	استفاده از زیبایی‌های موجود در موقعیت‌های زمانی و مکانی خاص
	تأکید بر تولید آراستگی ظاهر استادان	پیش‌بینی و افزایش محیط‌های متغیر و چندرسانه‌ای و دیجیتالی
وحدت و انسجام	توجه به جنبه‌های عملی دروس	زیبا و شاداب‌سازی فضای فیزیکی، عاطفی و روانی اجتماعی با استفاده از قواعد
	توجه به محصولات رشته‌های مختلف	زیباشناختی، روان‌شناسی رنگ‌ها، ارتباطات و غیره
	گفتگوی آزاد	زیبایی‌شناختی بایست تولید محور باشد
	تدریس	آراستگی مناسب استاد و استفاده از لباس‌های محلی شاد و مصنوعات ایام خاص
	جلسات آموزشی داوطلبانه	ملحوظ کردن ساعات عملی بیشتر نسبت به ساعات نظری در اجرای برنامه درسی
	استفاده از ابزارهای هنری و روش‌های کارگاهی در تدریس	پیش‌بینی و استفاده از گالری‌های مخصوص رشته‌های مختلف درسی
ابراز	تقویت بیان و ذهن	پیش‌بینی و توجه بیشتر به مکان آزاد برای گفتگوی دانشجویان
	تقویت بیان و ذهن	استفاده از موقعیت‌های طبیعی در تدریس و استفاده بیشتر از مسئله پرورش فضای سبز استفاده از موقعیت‌های طبیعی در در دانشگاه
	آزادی انتخاب محیط درسی	پیش‌بینی برخی جلسات آموزشی آزاد و فوق‌برنامه برای حضور داوطلبانه
خودآگاهی کیفی	آگاهی استادان از زیبایی‌شناختی در تدریس	استفاده از قابلیت‌ها و ابزارهای هنری در تدریس
	تولید اثر هنری زمینه یادگیری مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی	استفاده از روش‌های طبیعت‌گرایانه مانند، نمایش، ترانه و داستان محلی، فعالیت‌های آزاد و غیره
تخیل	مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی	استفاده از روش‌های کارگاهی و مبتنی بر تجربه و فعالیت تقویت هنر بیانی استاد
		استفاده از کدها و علائمی که بتوان قسمت ناخودآگاه ذهن یادگیرنده را تحریک و فعال کرد
		دادن آزادی به دانشجویان جهت تصمیم‌گیری درباره تغییر محیط فیزیکی
		آشنایی استادان با هنر و زیبایی‌شناختی و قابلیت‌های آن در تدریس
		آشنایی با مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی در تولید اثر هنری

بین اهداف؛ 10. جذابیت اهداف؛ 11. متعادل و متوازن بودن اهداف؛ 12. کلی و قابل انعطاف بودن اهداف.
2. محتوا
1. تلفیق هنر و زیباشناختی با سایر دروس 2. استفاده از

هر یک از عناصر برنامه درسی را تشکیل می‌دهد. بنابراین شکل زیر الگوی مفهومی مورد نظر را که به بیان مؤلفه‌ها و اصول زیبایی‌شناختی تلفیق‌شده با مؤلفه‌های برنامه درسی می‌پردازد، نشان می‌دهد.



شکل 1. الگوی مفهومی پژوهش برآمده از داده‌های پژوهش

عناصر الگوی مفهومی

1. هدف

1. پرورش تخیل؛ 2. پرورش خلاقیت؛ 3. پرورش قوه شهود؛ 4. پرورش همه حواس پنج‌گانه؛ 5. پرورش و هدایت زیباگرایی انسان؛ 6. پرورش تفکر انتقادی؛ 7. پرورش انواع سوادهای رسانه‌ای؛ 8. توجه ویژه به اهداف عاطفی و تلفیق آن با اهداف شناختی و مهارتی؛ 9. رعایت تناسب و انسجام

3. قابلیت همه رشته‌های هنری جهت غنابخشی به محتوا
4. تبیین وجه انسان گرایانه هنر
5. معرفی زیبایی‌ها با رویکرد سازمان‌دهی چندرشته‌ای در همه دروس؛ 6. توجه به ویژگی‌های یادگیرندگان از منظر زیباشناختی و هنر
7. مشارکت دادن کارشناس هنر در فعالیت‌های برنامه‌ریزی و تبیین محتوا
8. برقراری شباهت بین پدیده‌های مختلف به‌ظاهر ناهمخوان؛

جدول 4. مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده بر مبنای مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی مبتنی بر برنامه درسی بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران و خبرگان برای عنصر ارزشیابی

مفاهیم	مقوله‌ها	مضمون‌ها
تقویت امید، عزت‌نفس و خودپنداره مثبت در یادگیرندگان	تقویت همه‌جانبه یادگیرندگان	خودآگاهی کیفی
استفاده از رویکرد کیفی، توصیفی و تفسیری	استفاده از رویکرد کیفی در حل مسئله	وحدت و انسجام
توجه به راه‌حل‌های بدیع و بدیل یک مسئله	ارزشیابی مستمر	
استفاده از ارزشیابی مستمر جهت زنده نگه‌داشتن رابطه دانشجو با استاد، دانشجو با درس و غیره	ارزشیابی اصیل حواس دانشجویان	ابراز
استفاده از ارزشیابی اصیل ¹ ، باز و کل‌گرایانه بر اساس انواع حواس و اشکال گوناگون بازنمایی		

مؤلفه‌های مهم برنامه درسی مانند هدف، محتوا، روش و ارزشیابی در طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های درسی به کار گرفته شوند. چشم‌انداز زیباشناختی در برنامه درسی به دنبال تزریق ویژگی‌های مفید و جذاب عالم هنر به برنامه‌های درسی است که شرکای برنامه درسی نیز همانند هنرمندان در کنار فعالیت‌های خود به لذت زیباشناسانه دست یابند. منظور از شرکای برنامه درسی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان درسی، استادان و مجریان برنامه درسی و یادگیرندگان هستند که برای هرکدام از آنها می‌توان راهکارهایی از یافته‌های پژوهش به دست آورد. از آنجا که نتیجه این پژوهش، ارائه یک الگوی مفهومی برنامه درسی مبتنی بر زیبایی‌شناسی برای دانشگاه‌های استان خوزستان بود، مؤلفه‌های ارائه‌شده در الگو را می‌توان از دو منظر موردتوجه قرار داد: اول در طراحی و تدوین یک برنامه درسی مبتنی بر زیبایی‌شناسی و دوم در اجرای هنرمندانه و زیباشناسانه برنامه درسی.

برای رسیدن به شایستگی‌های حرفه‌ای استادی لازم است علاوه بر شایستگی‌های انسان‌شناسانه، فرادانشی و فراشناختی که رضایی (1388) به آن اشاره می‌کند؛ می‌بایست شایستگی زیباشناختی را هم به شایستگی‌های ضروری همه استادان در همه مقاطع افزود و حتی در مجموع فرایندها و عوامل و عناصر نرم‌افزاری (برنامه درسی) و سخت‌افزاری (فضاها و تجهیزات) آموزش عالی نیز مدنظر قرارداد. شایستگی‌های زیباشناختی معلم به او و دانشجویانش می‌آموزد تا در مقابل انبوه اطلاعاتی که به‌خوبی از عناصر زیباشناختی برخوردارند چگونه و چه

9. متعادل بودن¹⁰. پیش‌بینی صفحات سفید در کتاب‌ها جهت ارائه طرح، تصویر و غیره از سوی دانش‌آموز¹¹. توجه به خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های محلی¹². تحریک و به‌کارگیری ترکیبی از حواس پنج‌گانه.

3. روش

1. توجه به جنبه‌های مختلف زیبایی در فضای آموزشی². استفاده از زیبایی‌ها در تدریس³. آزادی انتخاب محیط دیدن،⁴ آگاهی استادان از زیبایی‌شناختی در تدریس⁵. استفاده از ابزار هنری و روش‌های کارگاهی در تدریس⁶. تقویت بیان و ذهن⁷. زیبا و شاداب سازی فضای فیزیکی و حتی عاطفی با استفاده از قواعد زیباشناختی، روان‌شناسی رنگ‌ها و ارتباطات⁸. سازمان‌دهی فضاها را یادگیری بر اساس حوزه‌های یادگیری⁹. پیش‌بینی فضاها (واقعی و مجازی) برای فعالیت آزاد دانشجویان و مشارکت آنان در تغییر محیط.

4. ارزشیابی

1. ارزشیابی اصول حواس دانشجویان². استفاده از رویکرد کیفی در حل مسئله³. تقویت همه‌جانبه یادگیرندگان⁴. ارزشیابی مستمر

نتیجه‌گیری و بحث

یافته‌های پژوهش نشان داد که هنر و زیباشناسی به‌عنوان یک چشم‌انداز و پارادایم در برنامه درسی، حاوی مؤلفه‌ها و الهامات بسیاری است. این مؤلفه‌ها می‌توانند با محوریت

1. Aauthentic

کنشگران سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی می‌توانند از آنها بهره بگیرند تا برنامه درسی زیباشناسانه تولید کنند. دسته دوم بر اجرای هنرمندانه برنامه درسی دلالت دارند. نظر به وجه زیباشناسانه و هنری تربیت، تدریس، استادی و خلاصه اجرای برنامه درسی، مؤلفه‌های عناصر استاد، فعالیت‌های یادگیری، گروه‌بندی، فضا، زمان و ارزشیابی بر ایفای نقش هنرمندانه کنشگران اجرای برنامه درسی تأکید می‌کنند. نکته دیگر اینکه این تفکیک به‌گونه‌ای نیست که بیان کنیم تمام مؤلفه‌های گروه اول صرفاً در سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی و مؤلفه‌های گروه دوم نیز فقط در سطح اجرا قابل‌استفاده هستند؛ بلکه برخی مؤلفه‌های گروه اول مانند هدایت زیباگرایی انسان، پرورش تخیل، خلاقیت و شهود که در تعیین هدف مورد اشاره قرار گرفته‌اند اگر در سطح اجرا نسبت به تحقق آنها اقدامی نشود رعایت آنها صرفاً در سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی کاری عبث خواهد بود و به اهداف عمیق تبدیل خواهند شد. برخی مؤلفه‌های گروه دوم (سطح اجرا) نیز نظیر در نظر گرفتن زمان غیر تجویزی، توجه به رویکرد کیفی در ارزشیابی به جهت تصمیم‌گیری و نظام متمرکز برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی در ایران مستلزم توجه و قابل‌پذیرش بودن آن از سوی کنشگران سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی است. علاوه بر موارد فوق، اصول قید شده در الگوی پیشنهادی خود بیانگر آن است که این مؤلفه در اکثر عناصر برنامه درسی کاربرد دارند زیرا اصول برنامه درسی مواردی هستند که منحصر به یک عنصر یا چند عنصر معدود نبوده بلکه در بیشتر عناصر قابل به‌کارگیری هستند. در نتیجه با یک نگاه سیستمی اقدامات عاملان این سطوح بر همدیگر تأثیر دارند.

موضوع قابل‌تأمل دیگر، شرایط موردنیاز برای به‌کارگیری الگوی پیشنهادی است. برای استفاده از یافته‌های الگوی پیشنهادی لازم است کلیه سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان در حوزه آموزش عالی، مدیران و استادان آشنایی لازم و همچنین نگرش مطلوبی نسبت به رویکرد آموزشی و پژوهشی از طریق هنر و زیباشناختی یا برنامه درسی مبتنی بر زیباشناختی داشته باشند. به

واکنشی نشان دهند؟ و چگونه نگرش زیباشناختی را گسترش دهند.

محور بودن تربیت زیباشناختی در آموزش، استادان و دانشجویان را به قلمروهای عمیق احساس و معنی ارجاع می‌دهد و به آنها روشن‌بینی بیشتری می‌بخشد. یافته‌های پژوهش نشان داد برای شناسایی یک روش مناسب که به دنبال آن بتوان سایر عناصر را سامان داد، می‌بایست از رویکرد تلفیق برنامه‌ها بهره گرفت. تربیت زیباشناختی در نظام آموزش عالی، فرصت بسیار مناسبی را برای نقش‌آفرینی رویکرد تلفیق برنامه‌های درسی با زیباشناختی ایجاد می‌کند. در این رویکرد امکان مرتبط ساختن تجربه‌های زیباشناختی با تجارب واقعی زندگی فراهم می‌آید. البته این در اینجا احتیاج به استنادی مجرب و آموزش‌دیده دارد تا با درک درست از رشته خود و شکل ابزاری آن، بیشترین فایده را برسانند.

بر اساس منطقی این مدل زیباشناختی را می‌توان در همه ابعاد و مؤلفه‌ها و عناصر برنامه درسی تزریق کرد (موسی پور، 1398). البته در امر تربیت و آموزش یکی از مبانی دانشی مورد نیاز استادان برای موفقیت در امر آموزش و پژوهش، دانش زیبایی‌شناسی است. دانش زیبایی‌شناسی به استاد و دانشجو کمک می‌کند تا نسبت به تجلیات زیبایی‌شناسانه در قالب‌های مختلف مانند آثار بصری، موسیقایی، نمایشی، ادبی و ... شناخت، فهم، توانایی تفسیر و ارزیابی پیدا کنند. خرازی و تلخابی (1396)، تدریس را به‌عنوان هنر تغییر مغز در نظر می‌گیرند. اصولی که در تربیت زیباشناختی معرفی شدند از یک جهت مبتنی بر مبانی و رویکرد و اهداف هستند و از سویی دیگر بر هدف، محتوا، منابع، روش و حتی ارزشیابی اثر می‌گذارند. دانشگاه‌ها می‌بایست در قالب دروس مختلف به‌ویژه درس‌های مرتبط با تربیت زیباشناختی آگاهی لازم را در رابطه با مؤلفه‌های آن به دانشجویان ارائه بدهند.

در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران چون طراحی و تدوین برنامه درسی و اجرای برنامه درسی در دو محیط جداگانه و توسط افراد گوناگون انجام می‌شود، برخی مؤلفه‌ها به طراحی و تدوین و برخی به اجرای برنامه درسی مبتنی بر زیباشناختی مربوط می‌شوند. مؤلفه‌های اهداف، محتوا و روش در طراحی و تدوین کاربرد دارند لذا

مسیر، کشف احتمالات و امکان‌های جدید و ساختن ایده‌ها را تقویت می‌کنند.

موضوع دیگر درباره شرایط موردنیاز برای به‌کارگیری الگو، آشنایی و مهارت‌آموزی دانشجو استادان در زمینه استفاده از زیباشناختی و مؤلفه‌های آن در تعلیم و تربیت است؛ به طوری که در آغاز کسوت استادی با رویکرد آموزش از طریق الهام گرفتن از مؤلفه‌های زیباشناختی آشنا شوند که این آشنایی می‌تواند در قالب برنامه درسی و فوق‌برنامه دانشگاه اتفاق بیفتد. چگونگی تدریس و تربیت هنرمندان جزئی از برنامه درسی تجربه‌شده آنان در دوران دانشجویی باشد زیرا چنین تجاربی خود، انگیزه و اعتمادبه‌نفس و مهارت لازم را در آنان بارور خواهد ساخت. نکته آخر در مورد اعتبار الگوی مفهومی این پژوهش است. الگوی مفهومی از سوی صاحب‌نظران و کارشناسان و برنامه‌ریزان درسی دانشگاه‌های سطح استان خوزستان معتبر تشخیص داده شد و اصلاحات لازم نیز بر اساس نظرات آنان در الگو انجام شد. اما نباید تلقی کرد هر آنچه که این پژوهش به دست آورده کامل و درست است بلکه باید اذعان کرد محدودیت‌ها ممکن است منجر به ارائه برخی مطالب ناصواب گردند. از این رو لازم است در آینده با تحقیقات بیشتری، پارادایم زیباشناختی در برنامه درسی توسعه یابد.

استادان دانشگاه‌ها ضمن داشتن نگرش زیباشناختی به فرایند تدریس، می‌بایست مهارت لازم را برای به خدمت گرفتن خرده مهارت‌های زیبایی شناسانه کسب کنند. این خرده مهارت‌ها که با برنامه‌های آموزشی زیبایی شناسانه قرابت دارد؛ عبارتند از:

انسجام در تدریس،

- خط خوانا و زیبا،
- لحن مناسب،
- روحیه نوآوری،
- شوخ‌طبعی و طنز،

ضرب‌المثل،

- توجه به قابلیت‌های سازندگی ذهنی، عملیاتی و اکتشافی فراگیران،
- برانگیختن عاطفه، احساس و هیجان با بهره‌گیری از شعر، موسیقی، نمایش و قصه،

عبارت دیگر اشاعه مناسبی درباره نحوه اجرای رویکرد یا برنامه درسی مذکور صورت پذیرد. البته این امر نیازمند بسط مطالعاتی در زمینه پارادایم زیباشناختی است زیرا یکی از محدودیت‌هایی که در ادامه مطرح خواهد شد این است که حتی صاحب‌نظران مطالعات برنامه درسی و روسای دانشگاه‌ها و حتی تصمیم‌گیرندگان اصلی خصوصاً شورای انقلاب فرهنگی نیز با چگونگی این رویکرد از طریق هنر و زیباشناختی آشنایی مطلوبی ندارند و دانش آنان شاید بیشتر درباره آموزش زیباشناختی است. این امر ضرورت توسعه سواد بین‌رشته‌ای را نیز یادآوری می‌کند. از این رو گسترش مطالعات درباره چشم‌انداز زیباشناختی می‌تواند جهت دستیابی به بصیرت کافی در این زمینه کمک کند تا با منابع غنی علمی بتوان به اشاعه چشم‌انداز مذکور بین عاملان اجرایی برنامه درسی پرداخت زیرا در صورت اشاعه مناسب و مستدل است که نگرش مناسب در عاملان اجرایی ایجاد می‌گردد و نگرش مناسب نیز خود مقدمه اقدامات لازم برای به‌کارگیری مؤلفه‌های زیباشناختی خواهد بود.

دومین موضوع درباره شرایط مورد نیاز در کاربرد مؤلفه‌های الگوی پیشنهادی، ارتقاء دروسی است که بتوان جایگاه زیباشناختی و آثار آن را در دانشگاه‌ها خصوصاً در ارتباط با رفتار آموزشی دانشجویان دانشگاه دید. به خاطر ماهیت الگوی پیشنهادی، استاد می‌تواند در تدریس هنرمندان و همچنین به‌کارگیری مؤلفه‌های زیباشناختی در انتقال مواد آموزشی موفق عمل کند چراکه زیباشناختی و مؤلفه‌های آن می‌توانند کانال ارتباطی بین مواد آموزشی و اهداف آموزشی را به یادگیری اثربخش‌تری تبدیل کنند و به سایر استادان نیز کمک کنند. ساهسرابود (2005) در این باره می‌گوید: تجربه در زیباشناختی می‌تواند آموزش جوانان را به‌طور ویژه از طریق رشد مهارت‌های تفکر سطح بالا ارتقا بخشد. اکثر مطالعات انجام شده پیرامون موفقیت‌ها نشان می‌دهند که فهرستی از ظرفیت‌های شناختی، نگرش‌ها و گرایش‌ها از قبیل تخیل، خلاقیت و توانایی تفکر انتقادی در آنها وجود دارند که از یادگیری در هنرهای بصری، رقص، نمایش و موسیقی به‌دست‌آمده‌اند و همچنین در این مطالعات ذکر شده که ظرفیت‌های شناختی مذکور (تخیل، و غیره) توانایی‌های دیگری نظیر تمرکز انرژی، تمرکز ادراک، انعکاس، انعطاف‌پذیری، تغییر

اراک، تحت عنوان «طراحی و اعتباریابی الگوی تلفیقی مؤلفه‌های برنامه درسی و تربیت زیباشناختی در آموزش عالی» به راهنمایی دکتر علیرضا فقیهی و مشاوره دکتر مژگان محمدی نایینی می‌باشد.

منابع

- Arrowsmithe, William.(1971). Film as educator (Included at: aesthetics and problems of education), Edited by: Ralph A. Smithe. University of Illinois Press Urban Chicaco London.
- Barbara, M. (2010). Virtual Education in Roule Island Public Schools: Current status and perceptions of administrators.
- Eisner, Elliot, W. (2002). The Kind of Schools we Need, Personal Easy. Portsmouth, NH: Heinemann.
- Faqihi, Fatima (1378). Curriculum reform: Cultivating intellectual skills. Education Quarterly. Year 15. Third issue, fall 78.
- Fredett, Barbara W.(1993). Aesthetics for the 21st century: Another challenge for education. Included Verbo-Visual Literacy: Understanding and applying new educational communication media technologies. Selected readings from the symposium of the international visual literacy Association(Delphi, Greece, Jun 1993).
- Hemti, Zainab; Irajpour, Alireza; Elah Bakhshian, Maryam; Sports Nejad, Maryam; Abd Shahshahani, Mahshid. (2017). Evaluation of the master's course in neonatal special care nursing based on the CIPP model in Isfahan University of Medical Sciences. Iranian Journal of Education in Medical Sciences, 8(36), 334-332.
- Kharazi, Seyed Kamal; Talkhabi, Mahmoud. (2016). Basics of Cognitive Education, Tehran: Samit Publications.
- Lerkian, Marjan (1390). Designing and validating the ideal model of the elementary school art curriculum. Tehran: Tabataba'i University, doctoral thesis.
- Mehromhammadi, Mahmoud (1388). Rethinking the concept and meaning of the educational revolution in the age of information and communication technology. From the collection of articles included in the book Curriculum of Opinions, Approaches and Perspectives, Samt Publications.
- Mehromhammadi, Mahmoud (2018). Explaining the aesthetic turn in education: micro and
- تأکید بر انگیزه‌های درونی با تدارک تجارب یادگیری زیباشناختی،
 - برگزاری کارگاه‌های کوچک کلاسی،
 - بهره‌مندی از تآنی و تأمل.
- پانویست:** این مقاله مستخرج از رساله دکترای محمد اردشیری دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد
- macro lessons to improve the quality of education inspired by the world of art. Education Quarterly, year 27, number 1, spring 2019.
- Mir Arafin, Fateme Sadat, Mehromhammadi, Mahmoud, Ali Asgari, Majid, Haji Hosseinejad, Gholamreza. (2018). Designing and validating the curriculum of the "aesthetic approach to teaching" course in teacher training. Curriculum Studies, 14(54), 116-79.
- Musapour, Nematullah (1392). About university teaching method. Tehran: Imam Sadegh University (AS).
- Musapour, Nematullah (2018). "Designing a teacher training curriculum implementation model based on the published educational documents of the Islamic Republic of Iran" Educational Systems Research Quarterly, Fall 13, 2018, Number 46
- Paripur, Azam; Sarmadi, Mohammadreza; Nategi, Faezeh; Mohammadi Naini, Mozghan (2019). Presenting the evaluation model of the quality of combined education in higher education based on the SIP evaluation approach (case study: in the electronic unit of Islamic Azad University). Research in educational systems. 14(51), 7-22
- Rezaei, Munira (2008). Compilation of the theoretical model of aesthetics and art in official and general education of the Islamic Republic of Iran. Research project of the Research Institute of Education and Training of the Ministry of Education.
- Sahasrabudhe, Prabhe.(2005).Design for learning Through The Arts: Minstraming art education in the school curriculum. included at : Education for Creativity, Bringing the arts and culture into Asian Education. Published by UNESCO.
- Smite, A.Ralph.(2004).Policy and arts education. included at : Handbook of research and policy in art education, Edited by Elliot.w Eisner and Michael ,D.Day.pp.(87-92).Lawrence Erlbaum Associated,Inc.
- Tadredian, Hossein. (2015). Assessing the need of student teachers of the primary field of Farhangian University (Isfahan city) for art education with the approach of art education.

- New strategies of teacher training, 2(4), 51-68.
- Tamnai Far, Mohammad Reza (2009). A reflection on the functions of artistic education in the educational system. The growth of art education, 8th period, 2nd issue, winter 89.
- Valance, Elizabeth. (2009). Aesthetic research: art criticism. Translated by Mahmoud Mehromhammadi. Included in Curriculum Studies Methodology by Edmond C. Short, translated by Mahmoud Mehromhammadi and colleagues. Tehran: Samit Publications.
- Vallance, E. (2007). Questions asked in art-museum education research. In L. Bresler(Ed.), International handbook of research in arts education, Part One (p. 701-716). Springer.
- Venalainen, Paivi. (2012). Contemporary Art as a Learning Experience. The 5th Intercultural Arts Education Conference: Design Learning. Available at: www.sciencedirect.com.
- Venalainen, Paivi.(2012). Contemporary Art as a Learning Experience. The 5th Intercultural Arts Education Conference: Design Learning. Available at: www.sciencedirect.com
- Venalainen, S. (2010). Interaction in the multi-cultural classroom: Towards culturally sensitive home economics education. PhD Dissertation at University of Helsinki.

COPYRIGHTS



© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)